



۲۰۱۷/۰۸/۱۹

مترجم عارف عباسی

افغانستان در رنگ باختگی حضور امریکا!

منبع: نیویارک تایمز، ۵ اگست ۲۰۱۷

نویسنده: Carlota Gall

تبصره مترجم:

دوشیزه Carlota Gall یکی از ژورنالیستان ورزیده و محقق نیویارک تایمز بوده، رویداد های مهم سیاسی جهانی را توسط تحقیقات به استناد مدارک و مآخذ موثق و معتبر تحت ارزیابی قرار می دهد. در این اواخر رد پای طالبان را پالیدن گرفته و کتابی تحت عنوان «The Wrong Enemy» یا "دشمن غلط" تألیف نموده که بر بنیاد اسناد موثق، شواهد، مدارک و قراین ثابت می سازد که این جنگ پاکستان است و طالبان وسیله استعمار شده. مضمون فعلی که ترجمه آن خدمت تقدیم می گردد به وضاحت آشکار می سازد که تلاش های ایران در خنثی ساختن مساعی ۱۶ ساله امریکا و مصارف بیش از نصف تریلیون دالر و ریختن خون بی شمار برای ایجاد یک دولت با ثبات در افغانستان مسیر یافته است. تا حال توجه ما بیشتر به نقش و مداخلات علنی پاکستان برای اعمال نفوذ در بی ثباتی افغانستان بحیث یک بعد قضیه معطوف بود، ولی این مضمون طرح های مهندسی شده و محاسبه شده ایران را به منظور تسلط بر کلیه امور برملاء می سازد. این مضمون علی الرغم طوالت آن از چندین جهت برایم جالب بوده و آگاهی هموطنانم را به آن ضرور دانستم. همان گونه که ترجمه آن وقت گیر و حوصله افزا بود میدانم که خواندن آن هم حوصله طلب است.

متن مضمون:

فراه، افغانستان: صاحب منصب پولیس در محافظت گرد و نواحی این شهر به یاد می آورد که قومندانش ضمن پیامی برایش اخطار داد که صد ها جنگنده طالب به صوب قرار گاهش در حرکت اند "در ظرف نیم ساعت تهاجم صورت گرفت" به قرار اظهار خاندوی، آقای نجیب الله امیری ۳۵ ساله، طالبان به مزارع زراعتی دور و بر قرار گاهش سرازیر شده کناره های غربی دریای فراه رود را در تصرف در آوردند، فراه مرکز و نام ولایت است. این تهاجم بعد از محاصره سه ماهه در اکتوبر صورت گرفت که منجر به درخواست کمک قوای هوایی امریکا گردیده و ماجرا پایان یافت. بعد از فرو نشینی دود، آتش و خاک باد، مقامات افغانی در روشنایی این تهاجم

حقیقتی را دریافتند که منبع اصلی در این ماجرا کجاست؟ و دانسته شد که ایران است. به اساس اظهار مقامات استخبارات افغانستان و مشاهده مراسم تدفین در ایران، در میان مردگان این حادثه جسد چهار کماندوی ارشد ایرانی وجود داشت.

طالبان هم اجساد کشته شدگان و زخمی های خود را به قریه مجاور در خاک ایران انتقال دادند. به قول موسفیدان افغان به مسؤولین ولایت فراه، در همین محل ایران شورشیان را استخدام و تربیه می کند.

تهاجمات پیهم با حملات هم آهنگ تنظیم شده و انسجام یافته بالای شهر های مختلف از خواسته های طالبان از سال ۲۰۰۱ به اینسو برای کسب قدرت دوباره است. همچنان این مبین بخشی از تسریع مبارزات ایران برای قدم نهادن در خلایی است که با بیرون شدن امریکا ایجاد می گردد. این قوی ترین تیله (مساعدی) ایران در چندین دهه اخیر است.

رئیس جمهور ترمپ با تأسف از ناکامی کشورش در افغانستان نالید و گفت ما جنگ ۱۶ ساله را می بازیم و تهدید نمود که جنرالان مسؤول را معزول خواهد کرد.

شکی وجود ندارد که امریکا به جنگی پایان می بخشد که در تاریخ امریکا طولانی ترین بوده و تخمیناً نیم تریلیون دالر مصرف برداشته و ۱۵۰۰۰۰ تلفات جانی جوانب ذیدخل بوده (این تخمین ثقه نیست تنها تلفات جانی مردم افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا حال بیش از دو صد هزار است - مترجم). که خود ستیز رقبای منطقه را بار آورده. عربستان سعودی و پاکستان بحیث قدرت های نافذ و مستقر و متبازر نقش عمده داشته و ایران هم در تلاش است که به بازی های خود آینده افغانستان را مطابق آرزو های خود سمت و سو ببخشد.

در عرصه یک و نیم دهه گذشته امریکا دو دشمن مهم و عمده ایران را در سرحداتش از سر راهش برداشت، طالبان را در افغانستان و صدام حسین را از عراق، ایران خموشانه از این فرصت ها بهره برداری نموده و دنباله وار در پهن نمودن ساحه نفوذش سعی کرد.

در عراق با اعمال نفوذ و استثمار جنگ داخلی در مدار خود قمری آفرید و در افغانستان زمینه خروج قوای نظامی امریکا را فراهم آورد و در تلاش است تا حکومتی را ایجاد نماید که منافع ایران را تهدید نکرده و دوست و متحد ایران باشد. یکی از راه هایی که ایران را به این هدف نائل سازد کمک نمودن به دشمن قدیمه اش یعنی طالبان است، که با اطمینان داشتن به یک وسیله متعهد و وفادار نفوذ ساحوی Proxy را کسب و افغانستان را در آشوب و بی ثباتی نگهدارد، نه به قصد سرنگونی آن، که این خواسته مخصوصاً در واقعیت موجودیت سرحد مشترک ۵۰۰ مایلی مملکتین تحقق پذیر است. مگر سوق یک قدرت شورشی مسلح در ساحه و تصرف یک ولایت خطراتی را برای ایران در چنین ماجراجویی و تحریکات همراه دارد.

آقای ناصر هراتی صاحب منصب پولیس مسؤول پاسبانی قرارگاه سرحدی در فراه با خشم و غضب گفت "ایران ثبات و آرامش را در افغانستان نمی خواهد" مردم از بیرق ایران متنفر اند و آن را به آتش می کشند".

ایران مداخلات مخفی خود را تشدید بخشیده که قسمت بیشتر آن حالا در روشنایی اطلاعات قرار گرفته. طالبان محلی را با پول، اسلحه و تعلیمات کمک نموده، به قوماندانان شورشیان طالب پناه داده و تیل برای عراده جات شان تهیه می کنند. به قول منابع افغان و غرب ایران صفوف طالبان را با استخدام پناه گزینان سنی مذهب افغان در ایران تقویت می بخشد.

آقای محمد عارف شاه جهان مأمور ارشد استخبارات و فعلاً والی فراه می گوید «سیاست منطقی تغییر نموده - طالبان ایرانی حالا قوی ترین طالبان اند». ایران و طالبان دو قطب مخالف یک دگر یکی شیعه و دیگری سنی، گمان نمی رود که هم بستر شوند.

ایران متعاقب کشته شدن ۱۱ دیپلمات (افسران نظامی. مترجم) و یک ژورنالیست حکومتی شان توسط طالبان در سال ۱۹۹۸ در مزار شریف قریب بود با طالبان در تقابل نظامی قرار گیرند. بعد از این واقعه ایران مقاومت علیه طالبان (اتحاد شمال) را کمک نموده و در اوائل در تهاجم نظامی امریکا در افغانستان و سقوط حکومت طالبان همکاری نمود.

آوانی که فعالیت های ناتو در افغانستان توسعه یافت، ایران طالبان را کمک رساند که با ریختن خون بیشتر امریکاییان و متحدینش و فزونی در مصارف جنگ آن ها را مجبور به خروج از افغانستان نماید. در شرائط کنونی ایران طالبان را نه تنها کمتر دشمن می دانند بلکه آن ها را وسیله مؤثری برای اهداف نفوذ ساحوی خود شمرده و با ظهور دولت اسلامی "داعش" و حمله دهشت افگنی شان در تهران بر پارلمان و مرقد خمینی، تبنی با طالبان نزد ایران بیشتر مطرح گردیده.

در سالون های خالی مرمین سفارت ایران در کابل آقای رضا بهرامی سفیر آن مملکت، از کمک کشورش به طالبان انکار نموده گفت ایران ۴۰۰ میلیون دالر را برای راه یابی افغانستان به خلیج فارس سرمایه گذاری نموده. ضمن مصاحبه سال گذشته سفیر ایران گفت که «مسئولیت داریم» که موجودیت یک حکومت قوی و جواب ده در افغانستان به مراتب سود آفرین بوده و مزیتی است در تحکیم روابط ما نسبت به هر موضوع دیگر». ولی وزارت خارجه و پاسداران انقلاب بحیث بازوی تکامل سیاست دو شیوه مترادف را مورد استفاده قرار می دهند، اولی اعمال نفوذ اقتصادی فرهنگی است و دومی در عقب پرده بکار گماشتن قوت های متعرضانه تخریبی. ایران داره های جانبیان، جاسوسان و گروه قاتلان خود را مخصوصاً در ولایات غربی برای قتل افراد پولیس و مأمورین حکومت توظیف نموده است. حتی قوماندان اعلی ناتو Gen, Sir David Richards برتانوی دریافت که ترجمانش Cap. Daniel James تبعه بریتانیه ایرانی الاصل جاسوس ایران بوده پیام های محرمانه را به اتشه نظامی سفارت ایران در کابل می داد.

ایران یک قوت تعرضی طالب را بسیج گردانیده برای حمله به فراه سوق داد که قوت های امریکایی این حمله را بار دوم خنثی ساخت. آقای جاوید کوهستانی تحلیل گر امور نظامی مقیم کابل می گوید « بازی ایران نهایت مغلق است، قوت های امریکایی با جنگ طولانی و پر مصرف شان دو دشمن ایران را از بین بردند که منافع ایران را به خوبی تأمین کردند. مگر امریکا و متحدینش حالا مؤثریت خود را از دست داده، ایران استراتیجی کشتار هزار پارچه پی را دنبال می کند که خون شان را بمکد و خرچ شان را بالا ببرد».

آرزوی توسعه جویی:

عمق روابط ایران با طالبان سال گذشته آشکار گردید، هنگامی که طیاره بی پیلوت (درون) امریکایی تکسی ای را در محل دور افتاده دشتی در جنوب شرق پاکستان مورد اصابت قرار داد و موتران و یگانه مشتری اش را به قتل رساند. مسافر کسی جز رهبر طالبان ملا اختر محمد منصور نبود. فردی که با جائزه ای برای دستگیری اش تعیین و در لیست تیروریستان نزد مقامات امریکایی شامل و مورد تعزیرات ملل متحد قبل از سال ۲۰۰۱

قرار داشت. ملا منصور بدون محافظ و اسلحه سفر کرده، با اطمینان و بی سرو صدا در منزلش در پاکستان می زیست.

این حمله بار دوم بعد از قتل اسامه بن لادن در ابد آباد پاکستان، حمایت و همدستی پاکستان را در پناه دادن تروریستان تحت جلب را برملا ساخت. این اولین باری بود که امریکا پرواز طیارات درون را در ایالت بلوچستان، پناه گاه طالبان انجام داد ولی بعداً در اثر احتجاج پاکستان بحیث منطقه خارج صلاحیت عملیاتی متوقف شد. نکات بس برآورنده ای در عودت ملا منصور از این سفر آمیخته است، وی با مقامات امنیتی ایران دیدن نموده و از طریق آنها زمینه ملاقاتش با مؤظفین روسیه هم مهیا گردید.

مسئولین افغان، دیپلمات های غربی، تحلیل گران سیاسی و یک قوماندان طالب، با وارد بودن با حلقهات داخلی ملا منصور، جزئیات این مذاکرات را تائید کردند. رهبر طالبان روابط خود را با ایران و روسیه انکشاف داد که خود یک تحول و تغییر جهت بهت انگیز بشمار می رفت چه تا حال این جریان تندرو، متکی به کمک ممالک عرب سنی مذهب خلیج، عربستان و پاکستان بود.

زمانه در تغییر است، امریکا کوچ و بار رفتن از افغانستان بست و رهبر طالبان خواست منابع مالی و اسلحه خود را توسعه و کثرت ببخشد، بعد از احراز مقام رهبری در سال ۲۰۱۳ ملا اختر محمد منصور ۱۳ بار به دوی و اتحادیه امارات عربی و یک بار به بحرین سفر نموده که پاسپورتش این مسافرت ها را نشان می دهد و حد اقل دوبار به ایران رفته است.

با توسعه نوسانات در سیاست طالبان، ملا منصور در عین حال آمادگی برای مذاکرات و ختم جنگ می گرفت و در جهات مختلف مطابق شرائط و میل خود بازی می کرد، مسئولین افغان و یک قوماندان اسبق طالبان با آگاهی از اسرار درونی طالبان این مطلب را بیان داشتند و گفتند این احساسات توسعه جویی عامل قتل او بوده می تواند. به عقیده آقای تیمور شرن تحلیل گر سابق جمعیت بحران بین المللی در افغانستان و فعلاً عضو حکومت، «منصور سیاست باز و تجار پیشه زیرکی بود، او احساسات فراتری را برای پیشکش نمودن داعیه خود به دیگران به سر می پروراند».

روابط محکم منصور با ایران از زمان حکومت طالبان در سال ۱۹۹۰ ره یابی گردید که به قول آقای کوهستانی و تحلیل گران دیگر افغان علایق شان در هدف منافع مشترک در تجارت تریاک بود که افغانستان منبع عمده تولید و ایران دالان انتقال بود. محافظین سرحدی ایران قاچاق بران مواد مخدره را مؤاخذه و توقیف می کردند ولی محافظین سرحدی ایران و از قاچاق بران محصول می گرفتند.

هدف عمده سفر های ملا منصور به ایران ایجاد همکاری تاکتیکی بود، به قول Bruce Riedel تحلیل گر اسبق سی آی ای و کار شناس مؤسسه «بروکیگینگز» در واشنگتن در سال ۲۰۱۶ طالبان اراده بر حملات تعرضی بر هفت ولایت افغانستان نمودند و مخصوصاً فراه میوه پخته شده قابل خوردن محسوب می شد.

به اساس گفتار مسئولین افغان، ایران زمینه ملاقات ملا منصور را با مسئولین روسیه فراهم گردانید که کمک مالی و اسلحه از طرف ماسکو به طالبان میسر گردد؛ به قول یک قوماندان سابق طالبان که با طالبان فعلاً گسسته و از ترس جان از افشای نام خود اباء ورزید گرفتن پول و اسلحه از ایران توسط منصور با توافق و اطلاع کامل پاکستان صورت می گرفت. «پاکستان را متقاعد ساخته بود که او ایران می رود و کمک بدست می آورد

ولی تحت نفوذ شان قرار نگرفته از ایشان دستور نمی پذیرد». پاکستان هم می خواست ثقل بار سیاسی و مالی کمک به طالبان را از دوش خود بکاهد و آن ها را تشویق به همکاری به ایران می نمود. این مطلب را حاجی آقای لالی مشاور رئیس جمهور و معاون والی قندهار اظهار داشت.

در سفر اخیرش به ایران، ملا منصور به تهران پایتخت ایران رفته با مهم ترین شخصیت آن کشور احتمالاً با رهبر عالی مقام ولایت فقیه آیت الله علی خامنه یی دیده باشد. این موضوع را یک قوماندان اسبق طالبان از قول حلقه داخلی و معتمد ملا منصور افشا نمود. ملا منصور در ایران یک هفته اقامت نموده در بازگشت خود در شهر زاهدان با مأمورین ارشد روسی ملاقات نمود، به قول آقای لالی از زبان اقارب ملا منصور.

منصور قبل از مرگ خود در مورد افزایش همکاری و کمک های ایران و روسیه مذاکره نموده چنانچه کمک ها و مداخلات ایران در زمان رهبری او فزونی یافت و تا حال ادامه دارد. اما ملاقات با روسها یک قدم فراتر بود، به قول مسؤولین افغان، روابط با روسیه و ایران تا حدی توسعه یافت که حاکمیت پاکستان را بر جریان طالبان به خطر مواجه گردانید.

به اساس گفتار Seth G. Jones معاون کارپوریشن RAND ایالات متحده آمریکا از مدتی در مورد فعالیت های ملا منصور بشمول تشبثاتش در ایران قبل از حمله درون اطلاع داشت، و پاکستان را از جریان مطلع ساخته بود، وی افزود که پاکستان متقابلاً اطلاعات به درد بخوری به آمریکا داده بود « قسماً پاکستان در حمله بر منصور ذیدخل بود».

جنرال Gen. John Nicholson قوماندان ارشد قوای ائتلاف گفت که رئیس جمهور بارک اوباما حمله بر ملا اختر محمد منصور را بنابر اباء ورزیدن وی از اشتراک در مذاکرات صلح در پاکستان منظور نمود.

جگرن مسلم حیات انشه اسبق نظامی افغانستان در لندن گفت که قوای نظامی آمریکا در حمله بر منصور هنگام عودتش از ایران نکته متبازری داشت « وقتی چنین اشخاص هدف قرار می گیرند ماه ها تحت تعقیب بوده و با

هوشیاری تطبیق شد که ایران را زیر سایه شک قرار داد و منظور از ایجاد خلاء بین ایران و طالبان بود» مگر آقای لالی می گوید « اگر هدف چنین بود به موفقیت نه انجامید چه ارزیابی رهکرد مولوی حبیب الله آخذ زاده رهبر نو طالبان نشان می دهد که او دنباله رو سلف خود بوده کار نا تمامش را تکمیل می کند. فکر نمی کنم (لالی) تماس ها قطع شده باشد. حبیب الله باز هم دست بسوی ایران دراز می کند و با در ماندگی طالب، پول بیشتر است که جنگ را ادامه دهند».

توطئه ایران کوچک:

در هیچ منطقه افغانستان به پیمانۀ ولایت غربی، هرات عمیقاً نفوذ ایران مشهود و محسوس نیست، ولایت هم جوار با یک چشم انداز از سرحد ایران.

دو ملیون افغان در اثر تهاجم شوروی در دهه ۸۰ به ایران پناه گزین شدند و امروز سه ملیون افغان در ایران زیسته کار می کنند، بعضی اوقات هرات "ایران کوچک" گفته می شود این شهر درب ورودی و خروجی دو کشور است.

مردم هرات با لهجه ایرانی (نه لهجه خاص خود هرات. مترجم) صحبت می کنند. مدارس، پوهنتون ها، مکاتب و کتاب فروشی های ایرانی در جاده ها بر قطار است. زنان هرات حجاب سر تا پا سیاه مروج در ایران را می

پوشند و دکان‌ها از حلویات و محصولات ایران پر است. گرچه هرات مهد تمدن و فرهنگ افغانستان و شهر آرام (نسبی. مترجم) است ولی هوای توطئه، دسیسه و نقشه‌های سری در فضای آن می‌دمد. شهر پر از جواسیس، گماشتگان و قوای ضربه‌ای ایران است. مأمورین محلی می‌گویند در سال‌های اخیر شهر مصاب به وبا کشتارهای متعدد و اختطاف‌ها است. ایران ملیشه‌ها و داره‌های جانین را تمویل می‌کند و شاروال سابق هرات گفت ایران تروریست اجیر و می‌پروراند. ایران پیهم در سایه‌ها فعالیت نموده و به گفته مأمورین محلی هدف برانگیختن رقابت و منازعات قدرت طلبی به نفع خود توسط رشوه، نفوذ و دهشت افگنی است. روزی در ماه جنوری اداره مبارزه با تروریسم پولیس‌های مخفی را برای نظارت منزل یکی از افراد خود توظیف نمود، آن‌ها کشف کردند که دو موتر سایکل سوار غریبه بر این خانه جاسوسی می‌کنند و جاسوسان را برای دستگیری جاسوسان گماشتند. در بین یک ساعت این دو شخص دستگیر و پوشش‌شان برملا شد که ایشان اعضای گروه قاتلین ایرانی اند که مسلح با دو تفنگچه بودند. باشندگان هرات از پُلّی عبور می‌کردند که در آن محل در ماه جنوری امسال پولیس دو مرد ایرانی را متوقف ساخت که مسلح بوده و اسناد جعلی داشتند. به قول پولیس، آزمایش‌های تخنیکی نشان داد که یکی از تفنگ‌های بازداشت‌شدگان در قتل یک تبعه ایرانی در هرات ده ماه پیش مورد استفاده قرار گرفته بود.

این دو ایرانی نزد مقامات افغانی توقیف بوده و جزای‌شان باید تعیین شود. این دو منبع ایجاد تضاد میان افغانستان و ایران بودند؛ ایران از تابعیت ایرانی‌شان انکار ورزیده از تذکره افغانی (جعلی)‌شان تذکر داد، مگر مقامات افغانی ایشان را در تلویزیون به نمایش گذاشت و اقرارشان را که این دو از طرف ایران فرستاده شده و اعضای گروه ضربه‌اند پخش نمود.

پولیس افغان می‌گوید در ظرف سه سال گذشته بیش از دو هزار نفر را در فعالیت‌های مبارزه با تروریسم توقیف نموده که بیشترین‌شان آشوب‌گران و جنایت‌پیشگان و ملیشه‌های مسلح که با خانواده‌های خود در ایران زندگی نموده و به افغانستان برای عملی ساختن تهاجمات و قتل مأمورین دولت، نظامیان و افراد پولیس فرستاده می‌شوند.

ایران را تصمیم بر آنست که قوای امنیتی افغانستان و حضور نظامی امریکا را نادیده گرفته با اعمال نفوذ و تأمین منافع خود مملکت را تضعیف نموده دست‌نگر و محتاج بسازد.

مسئولین افغان می‌گویند که «ما تروریستی را بازداشت کردیم که با گذاشتن بم کنار سرک سبب قتل پنج نفر شده بود، و ما پسری را رهانیدیم که اختطاف شده بود و ما در بین شهر بم کنار جاده را پرچو ساختیم، با مرور عکس‌ها در تلفون خود عکسی شخصی را نشان داد که متهم با اختطاف پنج نفر است، اکثر اختطاف‌ها جنایی بوده برای دریافت پول است و بعضی هم دلایل سیاسی دارد».

جوان ۳۳ ساله به نام فرهاد نیایش که انگلیسی صحبت می‌کرد با تندى و خشمگینی گفت «ایران از قونسلگری خود در هرات بحیث دستگاه تبلیغاتی و مشورتی به تروریستان استفاده می‌کند.

به قول آقای نیایش ایران نقش مهم و عمده در حملات تروریستی دارد، سه چهار ایرانی دستگیر شد که عزم سوء قصد علیه جان بعضی مأمورین دولتی را داشتند که برای منافع ایران کار می‌کردند».

اعضای پارلمان و مأمورین امنیتی می گویند که ایران به مأمورین محلی و حکومت مرکزی رشوه می دهند که برای شان خدمت کنند مثلاً برای هریک امتیاز ۱۰ تا ۱۵ ویزه ایران را می دهند که به دوستان و اقارب خود بدهند (یا بفروشند) که به ایران غرض دیدن اقارب، معالجات صحتی و امور تجارتي و یا سیاحت مسافرت نمایند. پولیس قضایای بیشتر رخنه نمودن ایران را در بین قوای امنیتی دستیاب نمود. یک پولیس زن که بحیث گماشته مخفی ایران یک مربی امور امنیتی امریکایی را در قرارگاه پولیس در کابل در سال ۲۰۱۲ به قتل رساند که محبوس و محکوم به مرگ است. یک صاحب منصب ارشد پولیس هرات که بنابر حساسیت وظیفه هویت خود را پنهان نگهداشت گفت «همسایه غربی ما مجدانه عمل می کند، حتی ما توپخانه ثقیل را پیدا کردیم که در حملات بالای شهر از آن استفاده می شد»، وی افزود که «ایران ملیشه های متعدد مخالف حکومت را در بسی ولایات غربی تمویل و حمایت می نماید، علی الرغم محدودیت های منابع پولیس که این فعالیت ها را خنثی می سازد».

قوت نرم بحیث تیغ دو دمه:

رؤیای افغانان برای ایجاد ثبات و آرامش در مملکت محاط به خشکه و جنگ زده شان و تبدیل آن به یک مرکز متمدن تجارتي جزء افسانه های پارینه بوده که کاروان های بزرگ از چین از طریق راه ابریشم به اروپا می رفت، مردم و اندیشه ها در عین مسیر در رفت و آمد بود. اگر ایران راه خود را دارد راه ابریشم نوین از کناره های سرحد غربی افغانستان گذشته داخل ایران می شود و این فقط یک آرزومندی است.

در یک طرف سرحد افغانستان هندوستان سرکی در جنوب غرب اعمار نموده که تجار افغانی از قیودات و تعذیرات مختلف پاکستان بالای امتعه تجارتي شان رهایی یابند و ایران در قسمت خاک خود در این پروژه سهم گرفته با اعمار سرک و خط ریل آن را به بندر چابهار به خلیج فارس وصل می کند. « افغانستان بیش از این محاط به خشکه نبوده و ما در خدمت افغانستان قرار داریم، کمک های ایران در قسمت اعمار سرک به افغانستان با وجود تعذیرات اقتصادی بر ایران متوقف نشد» به گفته سفیر ایران. مگر سخاوت مندی های اقتصادی ایران از خود قیمتی دارد.

به عقیده مقامات افغانی هدف ایران از کمک به طالبان متوقف ساختن و اخلاص پروژه هایی انکشافی است که با منافع ایران در تقابل قرار گرفته سلطه ایران را متضرر می گرداند ایران مصمم است که افغانستان را دست نگر و محتاج و استغاثه گر نگهدارد. بزرگترین رقابت روی آب است ایران در تلاش است که مانع اعمار بند های بلند آبه در افغانستان گردد که احتیاجات ایران را به آب به خطر مواجه سازد. ایران موضوع بند های آب را در مذاکرات دو جانبه مطرح گردانید. حسن روحانی رئیس جمهور ایران از اعمار بند ها در افغانستان بحیث خطرات محیطی انتقاد نمود.

در چهل سال گذشته با وقوع کودتا ها و جنگ ها در افغانستان پروژه های بزرگ بند های آب گردان و برق از سالهای ۱۹۷۰ بدین سو متوقف گردیده حتی با سرازیر شدن مبالغ هنگفت کمک های بین المللی بعد از ۲۰۰۱ سیاست های خارجی و داخلی در این مسیر ممانعت ایجاد نمود.

اما اشرف غنی را اراده بر آن است که رشد اقتصادی را سرعت ببخشد لذا به تکمیل بند برق و آبیاری سلما در ولایت هرات رجحان داد و امر ساختمان بند بخش آباد را که قسمت زیاد ولایت فراه را آبیاری می کند صادر نمود.

در فراه با وجود دو حمله مصیبت بار طالبان در مرکز ولایت در ماه اکتوبر سال گذشته و جنوری امسال بند بخش آباد حرف اول مردم است.

آقای محمد امین مالک فارم بزرگ سبزیجات به نحو «گرین هوس» زیر پوشش پلاستیکی می گوید «ما نه از موسسات غیر حکومتی و نه از حکومت کمک می طلبیم، ما در فراه هیچ نمی خواهیم فقط بخش آباد را». اومی گوید «فقدان آب و سیستم آبیاری در افغانستان رقابت با ایران را ناممکن می سازد ولی بند بخش آباد این مشکل را حل خواهد کرد».

گرچه این بند در مراحل مقدماتی خود قرار دارد با پلان پیش بینی شده، آب و برق برای مردمی که هر دو را ندارند میسر شده یک رؤیای بزرگ مردم تحقق خواهد یافت. به شرطی که ایران آن را تخریب نکند. به قول آقای لالی مشاور رئیس جمهور به ارتباط روابط با ایران «موضوع بی نهایت مهم آب است، قسمت زیاد آب ما به کشور های همسایه می رود، اگر ما قوی و مرفه باشیم به آنها کمتر آب می دهیم»

صلح یا جنگ نفوذ منطقی؟

مرگ ملا منصور رابطه تنگاتنگ ایران با طالبان را کنار برد، مگر در عین حال باعث متلاشی شدن این جریان شده گسستن اراکین بلند پایه را بار آورد و فرصت ها را برای دیگران میسر ساخت، که این احوال زمینه مداخله دیگران به شمول ایران را فراهم گردانید. اکثریت قابل ملاحظه طالبان، پاکستان را مسؤل کشتن ملا منصور می دانند این حمله حامیان دیرینه پاکستانی طالبان را عمیقاً دل شکسته ساخت.

عده زیادی (در مضمون دو درجن آمده ولی در زبان دری درجن برای انسان استفاده نمی شود. مترجم) قوماندانان ارشد طالبان که با ملا منصور پیوند محکم داشتند متعاقب این حادثه قرار گاه های قبلی خود را در پاکستان ترک نموده بی سرو صدا در جنوب افغانستان تحت حفاظت مؤظفین قوای امنیتی در قراء خود مسکن گزین شدند، آن ها امیدوار اند که این بازگشت کنندگان متمرّد تغییر موقف داده راه صلح و آشتی را با حکومت در پیش گیرند. آنانی که با خانواده های خود تا هنوز در پاکستان زندگی می کنند، به قول یک قوماندان اسبق طالبان، تحت نظارت و مراقبت شدید استخبارات پاکستان قرار داشتند که از جنگ منصرف شده از بیم سوء قصد علیه شان خانواده های خود را به داخل افغانستان انتقال دادند.

قوماندان طالب گفت «که او همیشه از دستورات فرمانروایان پاکستان منجز بوده و می دانستم که این جنگ، جنگ پاکستان است نه از افغانستان و پاکستان ابداً صلح را در افغانستان نمی خواهد».

حالا سؤال اینجاست که ایران چه می خواهد؟

با استفاده از عروج داعش بحیث یک بهانه، ایران با تبنای روسیه سیاست جنگ عمیق ساختن و گسترش جنگ، نفوذ ساحوی را برگزیده که حکومت متزلزل و در گیر با معضلات متعدد وحدت ملی را نادیده گیرد و یا احتمالاً به ترغیب صلح مبادرت ورزد چنانچه در سال اول ۲۰۰۱ غرض استقرار آرامش در سرحد خود چنین کرد که چون افغانستان خود مرفه گردد. به قول مأمورین ارشد افغان، مگر حالا ایران و روسیه داعیه مشترکی چون شراکت شان در سوریه پیدا نموده اند. با اندوختن تجارب از سوریه، و بر مبنای اعمار مزید بر این شراکت می خواهند امریکا را افکار سازند، این مطلب را آقای شرن تحلیل گر سیاسی بحیث اخطاریه اظهار داشت.

با خروج و تقلیل قوای نظامی امریکا، تلاش در راه تأمین هدف رخنه نمودن و نفوذ توسط طالبان توسعه پذیر است.

«پاکستان بطور متداوم و علنی طالبان را حمایت و کمک نمود، ایران و روسیه بطور غیر مستقیم طالبان را مدد می رسانند و ما بالاخره شاهد مداخله علنی شان خواهیم بود»، این مطالب را آقای جهان والی فعلی فراه بیان نمود. «ما نباید چنین فرصتی را برای شان مهیا سازیم و در عاقبت افغانستان در برابر رقابت های این ممالک زانو به زمین خواهد زد».

رنگین دادفر سپاندا وزیر خارجه اسبق گفت «افغانستان در ستیز و مبارزات رقابتی ممالک سنی مذهب خلیج و ایران شیعه مذهب کشانده شده است». او افزود که «ما باید خود را از این رقابت بیرون آریم و ما آسیب پذیریم». بعضی از اراکین بلند پایه دولت افغانستان خوش بینی داشته و ایران را دشمن نمی دانند، ولی افق نظر مختلط است.

عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه به ارتباط روابط به ایران می گوید که «تفاهم بین طرفین در یک سطح خوب قرار دارد، چیزی که ما می شنویم تماس ها با طالبان، تشویق شان برای صلح است نه فعالیت های مسلح نظامی». محمد آصف رحیمی والی هرات می گوید «اگر فراه بدست طالبان بیفتد درب تمام حوزه غرب به روی شورشیان باز می گردد». در مورد مداخلات ایران آقای رحیمی گفت «این مداخلات به سطحی رسیده که مرا تشویق تصرف مملکت توسط طالبان به کمک و تحریک ایران در سر است نه تنها ولایت هرات». آقای شرن می گوید «البته این حالت قابل مهار ساختن بوده اجتناب پذیر است».

امریکا این کاواکی را آفرید، و این خلاء ممالک دیگر را تشویق کرد که نقش داشته باشند. سوریه برای ایران و روسیه اطمینان بخشید و حالا می خواهند این اطمینان را در افغانستان بکار ببندند».

ختم ترجمه